

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تطبیقی تأثیر هماهنگی کردار و گفتار مربی بر تربیت متریان در اسلام و غرب با تأکید بر قرآن کریم
نگین علیزاده^۱

معصومه شریفی^۲

محمدجواد حق پرست^۳

چکیده

ارائه الگوی عملی یا به فعلیت رسیدن باور و علم مربی از روش‌های فوق العاده مهم و تأثیرگذار در حیطه تعلیم و تربیت است که به دلیل اهمیت والای آن، شایسته است به عنوان اصل تربیتی مد نظر قرار بگیرد تا در همه روش‌های تربیتی جاری شود. تحقیق پیش‌رو، به روش توصیفی-تحلیلی، به این سؤال پاسخ داده است که از منظر اسلام و غرب و با تأکید بر قرآن کریم هماهنگی کردار و گفتار مربی چه تأثیری بر تربیت متریان دارد؟ آنچه که امروزه غرب به دنبال تأکید بر ارائه الگوی عملی در ساحت تربیت اخلاقی است، حدود ۱۵ قرن پیش قرآن کریم با عناوینی نظیر "أسوه حسنه" بر آن تأکید کرده است. یافته‌ها حاکی از آنست که در همه ساحت‌های تربیتی لزوم هماهنگی کردار و گفتار متولیان تعلیم و تربیت امری ضروری است. علم و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند برای عمل مؤثر و مفید باید علم داشت و برای بالاتر بردن مراتب علمی باید به آن علم جامه عمل پوشانید، و هر چه عمل با اخلاص‌تر باشد علم به همان میزان کامل‌تر می‌گردد. هماهنگی کردار و گفتار مربی آثاری نظیر داخل شدن در زمره عالمان، نیل به مقام صدق و تقوا، افزایش تأثیرپذیری، رسیدن به ذهن غریزی و شهودی، احساس امنیت جسمی و روانی متریان و ... را به همراه دارد. عدم تطابق کردار و گفتار نشان‌دهنده ریا و عدم صداقت مربی است و نتیجه‌ای جز بی‌تأثیر شدن کلام مربی و دور شدن متربی از او، از دست رفتن علم مربی و خشم خداوند متعال به دنبال ندارد. در تعلیم و تربیت پسا کرونا که

۱. دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول). alizadehnegin@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان. Dr_sharifi_masoomah@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اخلاق اسلامی دانشگاه قم. Mr. haqparast@yahoo.com

متریبان بیش از سه نیم سال تحصیلی از آموزش حضوری و بهره مندی از الگوی عملی مربیان محروم بودند به نظر می‌رسد تأکید بر آن به عنوان یکی از بهترین اصول یا روش‌های پربازده، ضرورت دوچندان دارد.

کلمات کلیدی: تطابق علم و عمل مربی، هماهنگی کردار و گفتار مربی؛ روش الگوی عملی تربیت در اسلام؛ روش الگوی عملی تربیت در غرب؛ آیه ۴۴ سوره بقره؛ آیه ۲ و ۳ سوره صف.

مقدمه و بیان مسئله

روش الگوی عملی یا به فعلیت رسیدن باور و علم مربی و عامل به علم بودن او از روش‌های فوق العاده مهم و تأثیرگذار در حیطه تعلیم و تربیت است و به دلیل اهمیت والای آن، شایسته است به عنوان اصل تربیتی مد نظر قرار بگیرد تا در کلیه روش‌های تربیتی به عنوان معیار و قاعده کلی اجراء گردد.

در مواضع مختلف قرآن کریم بر همدوشی گفتار و رفتار انسان تأکید شده است؛ به عنوان نمونه آیات ۲ و ۳ سوره صف و آیه ۴۴ سوره بقره از شاخص‌ترین آیاتی هستند که خداوند متعال انسان‌ها را به عمل به گفتار دعوت نموده و افرادی که کردار و گفتارشان هماهنگ نیست را توبیخ کرده است و در آیات دیگر نمونه‌هایی از الگوهای عملی مطلوب را معرفی نموده و مسلمانان را به تبعیت از آنان فراخوانده است. (رک: احزاب/۲۱ و ممتحنه/۴)

در روایتی نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی‌کنم مگر قبلاً خودم آن را انجام می‌دهم و از هیچ کار خلافی باز نمی‌دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری جستهم». (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)

تأمل در این آموزه‌ها می‌تواند در گزینش مسیر صواب بسیار تعیین کننده و راهگشا باشد؛ زیرا با قرار گرفتن در مسیر درست است که می‌توان دست دیگران را نیز گرفت و به آن هدایت کرد. به عبارت دیگر اگر معلم یا مربی عامل به باورها و گفتار خود بوده و الگوی عملی و عینی نیک برای متربی باشد شاید بیش از نیمی از اهداف تعلیم و تربیت محقق شده است.

علامه طباطبایی به عنوان مفسر بزرگ شیعه نیز بر اهمیت تطابق عمل با علم و اعتقادات مربی تأکید داشته و بر این باور است تربیتی دارای اثر صالح است که مربی آن دارای ایمان به آنچه که به متربی می‌آموزد باشد، علاوه بر این،

عملش با علمش مطابقت کند، و اما کسی که اصلاً به گفته‌های خود ایمان ندارد و یا بر طبق آن عمل نمی‌کند امید خیری از تربیتش نباید داشت. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۶۰)

در تمام ساحت‌های تربیتی از جمله تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی، علمی و ... معلمان و مربیان در درجه اول الگو هستند. امروزه در جهان و خصوصاً در غرب روش ارائه الگوی عملی طرفداران بسیاری پیدا کرده است. برای نمونه، برخی از اندیشمندان غربی معتقدند در تربیت اخلاقی معلمان می‌توانند با فکر کردن با صدای بلند درباره تصمیم‌های اخلاقی خود، گفتن داستان‌هایی در مورد تلاش برای اهداف اخلاقی، خواندن داستان‌هایی که تخیل اخلاقی دانش‌آموزان را توسعه می‌دهند، یک جهت‌گیری اخلاقی برای زندگی الگودهی کنند. (Narvaez, 2005; Narvaez, Bock, Endicott, & Lies, 2004)

در تربیت اجتماعی نیز دانش‌آموزان آموزش ضمنی و گاه صریح با تأکید بر سنت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های ثابت اجتماعی و رفتارهای اجتماعی را از طریق مدل‌سازی الگوهای عملی و انتظارات بیان شده توسط بزرگسالان مهم - معلمان - فرا می‌گیرند. (Schaps, Shaeffer, & McDonnell, 2001; e.g., Scales, Blyth, Berkas, & Kielsmeier, 2000, p.42; Switzer, Simmons, Dew, Regalski, & Wang, 1995, p.435)

هر چند پژوهش‌هایی در زمینه اصول و روش‌های تربیت انجام شده است که از آن جمله می‌توان به «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات» از زهره کاشانی؛ «رهیافتی به الگوی تربیت فکر در قرآن کریم» از یارمحمدزاده و دیگران؛ «روش الگویی در تربیت اسلامی» از قائمی مقدم و «اصول و روش‌های تربیتی مبتنی بر حکمت از منظر قرآن کریم» از رحمانی اشاره کرد، اما غالب این تحقیقات درباره اصول و روش‌های کلی تربیت از منظر اسلامی به رشته تحریر درآمده است و تحقیق حاضر از این جنبه نوآوری دارد که تأثیر هماهنگی کردار و گفتار مربی را از دیدگاه اسلام و غرب و با تأکید بر قرآن کریم مورد بررسی قرار داده و به این سؤال پاسخ می‌دهد در اسلام و غرب هماهنگی کردار و گفتار مربی چه تأثیری بر تربیت متربیان دارد؟

بررسی آیات داعی به هماهنگی گفتار و رفتار

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای مؤمنان، چرا چیزی را می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا به شدت موجب خشم است چیزی را بگویید که عمل نمی‌کنید» (صف/۳ و ۲) و نیز می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا در حالی که کتاب را می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ آیا به عقل در نمی‌یابید؟»

(بقره/۴۴) در آیات یاد شده افرادی که دیگران را به نیکی دعوت کرده و خود را فراموش می‌کنند نکوهش شده‌اند و فحوای آیات مذکور، مؤمنان را به عامل بودن قبل از امر بودن دعوت می‌نماید. در ادامه به بررسی مضامین آیات شریفه پرداخته می‌شود:

۱. بررسی شأن نزول و شمول آیات مورد بحث

شأن نزول‌های مختلفی ذیل آیات ۳ و ۲ سوره صف ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمعی از مؤمنان بودند که می‌گفتند: بعد از این هر وقت با دشمن روبرو شویم پشت نخواهیم کرد، و فرار نمی‌کنیم، ولی به گفته خود وفا نکردند، و در روز احد فرار نمودند، تا آنجا که پیشانی پیامبر ﷺ و دندان مبارک او شکسته شد. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۸، ص ۵۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۶۰)
- هنگامی که خداوند متعال ثواب شهدای بدر را بیان کرد، جمعی از صحابه گفتند: حال که چنین است ما در جنگ‌های آینده، تمام نیروی خود را به کار خواهیم گرفت، ولی در احد فرار کردند، آیه فوق نازل شد و آنها را سرزنش نمود. (همان)

شأن نزول آیه ۴۴ سوره بقره نیز درباره توبیخ دانشمندان یهود است که دیگران را به دین اسلام و ثبات در آن دعوت می‌کردند اما خودشان عامل نبودند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۰۴؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۵؛ سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۵)

اگرچه این شأن نزول‌ها برای آیات مورد بحث ذکر شده است اما شمول آیات شریفه محدود به آن اسباب و شأن نزول‌ها نیست؛ و با توجه به قاعده جری و تطبیق^۱ در مباحث تفسیر و علوم قرآنی می‌توان گفت آیات مورد بحث، هر گونه گفتار خالی از عمل را برای همه انسان‌ها و در همه ادوار شامل می‌شود.

۱. بر اساس روایات معتبر در مصادر فریقین، قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است؛ و وجود بطن است که موجب جاودانگی قرآن کریم شده است. (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۷؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲؛ سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۲۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۵۰ و ...) به عنوان نمونه از فضیل بن یسار روایت شده است، که گفت: از امام باقر علیه السلام از این حدیث پرسیدم، که فرموده‌اند: «هیچ آیه‌ای در قرآن نیست، مگر آنکه ظاهری دارد، و باطنی»، منظورشان از این ظاهر و باطن چیست؟ فرمود: «ظاهر قرآن (تنزیل آن) و باطنش تأویل آنست، بعضی از تأویل‌های آن گذشته، و بعضی هنوز نیامده است مانند آفتاب و ماه در جریان است، هر وقت چیزی از آن تأویل‌ها آمد، آن تأویل واقع می‌شود» (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۹۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) از این بحث در حوزه تفسیر و علوم قرآنی با نام "جری و تطبیق" یاد می‌شود. جری به معنی تطبیق

ایمان و التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی، محرک بسیار قوی برای انسان در انجام کارهای متقن و محکم اوست. اعتقاد به خداوند متعال انسان را وظیفه شناس نموده و او را وادار می‌کند که در برنامه ریزی صحیح، سعی بسیار کرده و در انجام وظیفه خود دقت کافی به خرج دهد. در تمام زمینه‌های زندگی نیز چنین است چون همه چیز را از خداوند دانسته و او را در همه حال ناظر بر اعمال خود می‌بیند. در امر تعلیم و تربیت نیز ایمان و وظیفه شناسی، فوق العاده ضروری است. مریانی که خود دچار ضعف ایمان‌اند و از التزام کافی نسبت به باورهای دینی برخوردار نیستند هرگز نخواهند توانست افراد مؤمن و دیندار تربیت نمایند.^۱

اما اگر مریبان ابتدا ایمان و اعتقادات خویش را تقویت نموده و آن را با زیور عمل زینت نمایند به نظر می‌رسد فرایند تعلیم و تربیت در کانال صحیح خویش قرار می‌گیرد؛ و متریبان نیز با مشاهده مریبان عامل به گفتار خود، بیشتر به سوی آنها جذب شده و روند یادگیری بهتر انجام خواهد شد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب کردن دیگران به ادب کردن خود پردازد و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد، نه به گفتار» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید، تا پارسایی و سخت کوشی و نماز و خوبی را از شما ببینند؛ زیرا اینها، خود دعوت کننده‌اند». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۹۸)

طرفداران رویکرد رفتار پروری نیز با تأکید بر هماهنگی کردار و گفتار بیان می‌دارند برای داشتن دانش آموزان با اخلاق در مدرسه نیازمند ارائه الگوهای اخلاقی نیکو هستیم و به همین منظور همه دست اندرکاران مدرسه باید از ویژگی‌های مطلوب اخلاقی برخوردار باشند. متریبان به دستورالعمل‌های روشن و الگوهای خوب نیاز دارند و به طور ضمنی، زمانی که خانواده‌ها در این وظیفه دچار کمبود هستند، مدارس باید آن را عملی کنند. همچنین توصیه می‌شود که به

کلی بر مصداق بارز است. اهل بیت علیهم السلام همواره یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کردند، هر چند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد. قاعده یاد شده را عقل نیز تأیید می‌نماید؛ زیرا قرآن کریم به منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده و معارف نظری آن مختص به یک عصر خاص، و یک حال مخصوص نیست. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲)

۱. از سلسله درس‌های تعلیم و تربیتی استاد طاهایی.

دانش آموزان فرصت‌های متعددی برای انجام کارهای خوب، مانند شرکت در یادگیری خدماتی داده شود، که به اعتقاد آنها و در نهایت به عادات اخلاقی منجر شود. (Joseph and Efron, 2005, p.525)

نکته قابل توجه در اینجا اشاره به اعتقاد قبل از عمل اخلاقی است به عبارت دیگر برای پایدار ساختن عمل اخلاقی در مرتبه ابتدا باید اعتقادات او را قوی ساخت تا عمل اخلاقی برای او درونی شود و در مرحله تقلید از دیگران باقی نماند؛ و برای رسیدن به این هدف به نظر می‌رسد این فرایند ابتدا باید در خود مربی محقق شود و در گام بعدی در مرتبه پیاده گردد. و حتی برخی از اندیشمندان غربی در این زمینه معتقدند کمک به والدین و معلمان به عنوان الگوهای رفتاری و کلیدی کودکان و نوجوانان که زمینه ساز رشد اخلاقی هستند بسیار حائز اهمیت است. (Vago & Silbersweig, 2012, p.6)

۲. عدم تعقل عامل هماهنگ نبودن گفتار و رفتار

در آیات مورد بحث، "عدم تعقل" به عنوان عامل مهم عدم هماهنگی رفتار و گفتار معرفی شده است: «أَفَلَا تَعْقِلُونَ». «تعقلون» از ریشه «عقل» در لغت به معنی قوه‌ای است که آماده پذیرش علم مفید می‌باشد و در اصل به معنای امساک و خودداری کردن است مانند عقل البعیر که به معنای پابند شتر است (راغب، ۱۴۰۹، ص ۵۷۷)؛ و عاقل کسی است که نفس خود را حبس کند، و نگذارد که هواها به او سرایت نمایند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۴۲۵) بنابراین عاقل کسی است که از هواهای نفسانی فاصله گرفته و به دنبال علوم نافع است.

عقل در اصطلاح قرآن کریم نیرویی است که انسان در دینش از آن بهره‌مند می‌شود، و به وسیله آن، راه را به سوی حقایق معارف و اعمال صالح پیدا نموده و در پیش می‌گیرد. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۵) بر این اساس با بهره‌گیری از نیروی عقل است که شناخت درست حاصل شده و این آگاهی و شناخت انسان را به سوی انجام اعمال صالح برمی‌انگیزاند. به نظر می‌رسد فرمایش علامه طباطبایی اشاره به سه عنصر مهم تربیتی دارد؛ اول: شناخت و آگاهی بخشی، دوم: عواطف و احساسات، سوم: مرحله التزام و عمل. و تربیتی درصد موفقیت بالایی دارد که این مراحل با دقت توسط الگوی عملی مطلوب به منصفه ظهور برسد.

توماس لیکونا^۱ نیز به این سه عنصر مهم در تربیت اشاره نموده و بیان می‌دارد هر فضیلت خاصی باید بر اساس مؤلفه‌های روان‌شناختی اساسی آن تعریف شود: شناخت خوب، خواستن خوبی و انجام کار خوب. به عنوان مثال برای داشتن فضیلت عدالت، ابتدا باید عدالت را درک کنم (جنبه شناختی). دوم باید به عدالت اهمیت بدهم و بخواهم فردی عادل باشم (جنبه احساسی). سوم، باید عدالت را رعایت کنم و در روابط شخصی خود منصفانه رفتار کنم و سعی کنم به عنوان یک شهروند در ساختن جامعه و دنیای عادلانه‌تر مشارکت کنم (جنبه رفتاری)، Lickona, 2001, (P.4-9)

بنابراین عتابی که خداوند متعال درباره عالمان و گویندگان بدون عمل با عبارت «أفلا تعقلون» آورده گویای این مطلب است که دعوت به برّ و نیکی، و فراموش کردن خود در حال خوانش کتاب الهی، نشانه بهره نبردن از عقل است.

فخر رازی از مفسران نامدار اهل سنت و جوهی را از اسباب تعجب در عبارت «أفلا تعقلون» دانسته است؛ اول: هدف از امر به معروف و نهی از منکر دیگران، راهنمایی کردن آنان به سوی کسب منفعت و برحذر داشتنشان از زیان است. در حالی که بنا بر دلایل عقلی و نقلی احسان به خود مهمتر از احسان به دیگران است، پس هر کس موعظه کند و خود پند نگیرد مانند کسی است که عمل متناقضی انجام داده است و عقل آن را نمی‌پذیرد. دوم: هر کس مردم را موعظه کند و علم خود را بر آنان آشکار کند و سپس نافرمانی کند مردم می‌گویند او این علم را دارد، اما خود عمل نمی‌کند و این خود جمع متناقضین است و عاقلانه نیست. سوم: موعظه کننده باید بکوشد که موعظه‌اش در دلها مؤثر باشد و برای رسیدن به این هدف باید تلاش کند که کردارش هماهنگ با گفتارش گردد؛ در غیر این صورت موعظه‌اش در دلها نفوذ نمی‌کند. بنابراین عدم هماهنگی کردار و گفتار موعظه کننده با هدف او در تناقض است و این تناقض شایسته عقلاء نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۸۸) بنابراین برای افزایش میزان تأثیر کلام مربی و مؤثر واقع شدن امر به معروف و نهی از منکر، امر و ناهی باید خود عامل به گفتارشان باشند که این امر نشان دهنده تعقل اوست.

۱. توماس لیکونا، دکتر، روانشناس و استاد بازنشسته آموزش در دانشگاه ایالتی نیویورک، کورتلند است و الگوی پیشنهادی وی در مدارس بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است. وی نویسنده ۹ کتاب در زمینه رشد اخلاقی و تربیت شخصیت است. از جمله تربیت فرزندان خوب، آموزش برای شخصیت، اهمیت شخصیت، جنسیت، عشق، و شما، و چگونه بچه‌های مهربان تربیت کنیم (آوریل ۲۰۱۸). برای کسب اطلاعات بیشتر رک: <https://www.psychologytoday.com/intl/contributors/thomas-lickona-phd>

۳. آثار هماهنگی کردار و گفتار

۳-۱. داخل شدن در زمره عالمان

در روایات معتبر بر اهمیت هماهنگی کردار و گفتار اشاره شده است و عاملان به گفتار، در زمره عالمان به حساب آمده‌اند؛ امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند: «عالم کسی است که عملش، گفتارش را تصدیق کند، و هر کس عملش گفتارش را تصدیق نکند، عالم نیست». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶)

مقدمه اول: با توجه به فحوای آیه ۴۴ سوره بقره تطابق گفتار و کردار نشان‌دهنده تعقل است. مقدمه دوم: با توجه به معنای لغوی عقل، عاقل کسی است که از هواهای نفسانی فاصله گرفته و به دنبال علم نافع می‌باشد. نتیجه: افرادی که کردار و گفتار هماهنگی دارند در زمره عالمان حقیقی‌اند. همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا يَعْطُلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ» (عنکبوت/۴۳)

۳-۲. نیل به مقام صدق و تقوا

در آیه «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» دعوت به برّ و نیکی در حالی که انسان خود را فراموش کرده مورد نکوهش واقع شده است. اما مراد از «برّ» در این آیه چیست که خداوند متعال تأکید بر عامل بودن انسان قبل از فراخواندن دیگران به آن دارد.

واژه «برّ» در جای دیگر قرآن کریم تبیین و تفسیر شده است: «برّ این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنی، بلکه برّ [منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و بردگان می‌دهند، و نماز را برپای می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در

تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند» (بقره/۱۷۷)^۱

آیه شریفه تعریف ابرار و بیان حقیقت حال ایشان است که هم در مرتبه اعتقاد تعریفشان می‌کند: «کسانی که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده‌اند»؛ و هم در مرتبه اعمال: «و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و بردگان می‌دهند، و نماز را برپای می‌دارند...» و هم در مرتبه اخلاق: «اینانند که راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند» (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۸).

آثار ایمان و اعتقادات ابرار در اعمال خالصانه آنان نظیر انفاق در راه خدا، بر پا کردن نماز، پرداخت زکات، وفای به عهد و ... ظهور و بروز پیدا کرده است. تأثیر عمیق دعوت عملی از اینجا سرچشمه می‌گیرد که هر گاه شنونده بداند گوینده از دل سخن می‌گوید و به گفته خویش صد در صد ایمان دارد گوش جان خود را به روی سخنانش می‌گشاید و سخن که از دل برخیزد بر دل می‌نشیند، و در جان اثر می‌گذارد، و بهترین نشانه ایمان گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران عمل کند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۵)

در ادامه خداوند متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» یعنی در این مرتبه، ابرار به مقام صدق و هماهنگی ظاهر و باطن رسیده‌اند؛ یعنی گفتارشان با اعمالشان مطابق است. علامه طباطبایی صدق را وصفی می‌داند که تمامی فضائل علم و عمل را در بر می‌گیرد، و معتقد است چون آدمی به غیر از اعتقاد و قول و عمل، چیز دیگری ندارد و وقتی بنا بگذارد که جز راست نگوید، ناچار می‌شود این سه چیز را با هم مطابق سازد، یعنی نکند مگر آنچه را که می‌گوید و نگوید مگر آنچه را که معتقد است و گر نه دچار دروغ می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۰)

بر این اساس عامل بودن مربی موجب ایجاد اطمینان قلبی در متربی می‌شود به طوری که به این یقین می‌رسد که مربی صادق بوده و عملش مصدق گفتارش است و این تصدیق گفتار توسط کردار در نفوذ کلام مربی در جان متربی و نیز در نیل به هدف والای تعلیم و تربیت تأثیر بسزایی دارد.

۱ . وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ أْبْنَ السَّبِيلِ وَ السَّانِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

در مرحله آخر نیز می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» یعنی این افراد همان متقین هستند. نکته بسیار لطیفی که در این عبارت وجود دارد اینست که خداوند متعال نفرمود «وَأُولَئِكَ الْمُتَّقُونَ» به معنی اینکه یک سری متقین هستند و این افراد هم از آن متقین محسوب می‌شوند؛ بلکه با آوردن ضمیر فصل^۱ «هُم» گویا می‌خواهد بفرماید فقط همین افرادی که به مقام صدق و تطابق ظاهر و باطن رسیده‌اند، متقینند و لاغیر.

در آیه دیگری در تفسیر «برّ» صرفاً به افرادی که تقوا پیشه می‌کنند اشاره شده است: «وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى» (بقره/۱۸۹) و به نظر می‌رسد مراد خداوند متعال از برّ و نیکی، رعایت تقوا توسط افراد است و نه صرف مفهوم تقوا بدون عمل، و به همین دلیل نفرموده است: و لکن البرّ هو التقوی، بلکه با آوردن «مَن» بر کاربردی سازی آن تأکید نموده است. یعنی ای انسانها اگر می‌خواهید برّ را بشناسید بروید سراغ متقین.

بر این اساس مراد از برّ در این آیه شریفه که خداوند متعال مسلمانان را دعوت به عامل بودن آن قبل از آمر بودن به آن می‌نماید رعایت تقواست؛ و مربی در ابتدا باید ایمان و اعتقادات خود را تقویت نموده و در مرتبه بعد به اعتقاداتش جامه عمل پوشانده و تقوا را رعایت نماید و در نهایت، باورها و اعمال مربی در قالب گفتار در آید؛ و چه بسا اصلاً نیازی به گفتار نباشد زیرا عمل مربی خود، داعی به کارهای نیک است همانگونه که پیشتر در روایت امام صادق علیه السلام گذشت. به عنوان مثال مربی از وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری خوب یک مربی به ایمان محکم او پی می‌برد که در مقام عمل، خداوند را شاهد و ناظر کارهایش می‌داند. یا مربی که به وعده‌های خویش عمل می‌کند و به موقع در کلاس درس حضور می‌یابد، وفای به عهد و کسب درآمد حلال را به متریان می‌آموزد. مربی با دیدن کمک خالصانه و بدون چشم داشت مربی به دیگران (مالی، مشورت، همکاری) اخلاص و کمک به هم‌نوع را می‌آموزد. مربی با تواضع خویش، به متریان خضوع و خویش‌داری را می‌آموزد.

۱. ضمیر "فصل" که به آن ضمیر عماد یا دعامه نیز می‌گویند، ضمیر منفصلی است که در محل رفع است. زمخشری از مفسران ادبی اهل سنت درباره فوائد ضمیر فصل می‌نویسد: «اولاً دلالت بر این نکته دارد که اسمی که بعد از آن می‌آید خبر برای اسم قبل است و صفت برای آن نمی‌باشد و ثانیاً فایده آن تأکید کلام است و ثالثاً حتمیت و ایجاب این که ارزش و فایده مسند ثابت برای مسندالیه می‌باشد و برای غیر از آن نمی‌باشد». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶)

۳-۳. افزایش تأثیر پذیری متربیان

از دیگر آثار و برکات هماهنگی کردار و گفتار مربی و یا به کارگیری روش الگوی عملی مطلوب در تربیت، افزایش قدرت نفوذ کلام مربی در متربی و به تبع آن افزایش تأثیرپذیری متربی است، که اگر با ایجاد رابطه گرم و صمیمی با متربیان محقق شود بر تأثیرات آن افزوده خواهد شد. لیکونا در این باره معتقد است اعضای کادر مدرسه مسئولند که با الگو بودن عملی در رعایت ارزش‌های محوری بر روی دانش آموزان اثرگذار باشند. با توجه به اولین استراتژی کلاس درس، معلم به عنوان مراقب، الگو و مربی است؛ و یک رابطه گرم و صمیمانه بین یک بزرگسال و یک کودک تأثیر بزرگسال را به عنوان یک الگو و جامعه پذیر افزایش می‌دهد. (Lickona, 2001, P.4)

۳-۴. مشاهده رفتار و امکان عملی شدن آموزه‌ها برای متربیان

از دیگر اثرات روش الگوی عملی این است که متربی رفتار را در عمل و با همه جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و به همین سبب، نه تنها با خود رفتار، بلکه با شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد و با جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد. و مشاهده عمل صادر شده از الگو، امکان عملی شدن آن را به صورت عینی برای متربی اثبات می‌کند و این از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است در ابتدا انجام برخی رفتارها محال به نظر آید. و در نهایت مشاهده رفتارهای الگو و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در متربی گرایش و انگیزه اقدام به همان رفتارها ایجاد و تقویت شود. (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۲۳۸)

۳-۵. خطای کمتر، سهولت بیشتر و سرعت انتقال بالای پیام در روش الگوی عملی

از آن جا که در روش الگویی، یادگیری عمدتاً از طریق مشاهده مستقیم صورت می‌گیرد، می‌تواند از مؤثرترین و پایدارترین نوع یادگیری باشد؛ اشتباه و خطا در این یادگیری کمتر خواهد بود و روند یادگیری، تفهیم و انتقال پیام به متربی سریع‌تر و با سهولت انجام می‌پذیرد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۹، ص ۳۰)

۳-۶. رسیدن به ذهن غریزی و شهودی

از دیگر اثرات داشتن الگوی عملی مناسب، رسیدن به ذهن غریزی و شهودی است که از طریق تقلید از الگوها و بازخورد مناسب و مؤثر از محیط به دست می‌آید که نمونه‌های اخلاقی خودکار را پرورش می‌دهد. (Lapsley & Narvaez, 2004; Narvaez & Lapsley, 2005; Narvaez, Lapsley, Hagele, & Lasky, 2006)

داشتن یک الگوی عملی خوب در ساحت تربیتی موجب می‌شود مربی به طور خودکار و غریزی به سوی هم‌رنگ شدن با مربی و تقلید از او پیش برود. مشاهده الگو نه تنها راهکارهای عملی را به مربی نشان می‌دهد، بلکه به او در دست یابی به یک ذهن غریزی و شهودی کمک می‌کند تا در غیاب مربی نیز به صورت خودکار به سوی انجام آن عمل پیش رود.

۳-۷. احساس امنیت جسمی و روانی و در نهایت رشد سالم و پیشرفت تحصیلی

زمانی که کلاس‌های درس دارای فضای احترام متقابل و مراقبت هستند و زمانی که معلم اخلاق مشارکت را در خود و دانش‌آموزان تقویت می‌کند همه احساس امنیت فیزیکی و روانی بیشتری می‌کنند که منجر به احساس تعلق بیشتر می‌شود (Anderman, 2003; Ma, 2003). پیوند با مدرسه نه تنها مشارکت مدرسه و تعهد به یادگیری را در بین دانش‌آموزان افزایش می‌دهد (Goodenow, 1993)، بلکه رشد پیشرفت (Libbey, 2004) و رشد سالم را به طور کلی افزایش می‌دهد. (Catalano, Oesterle, Fleming, & Hawkins, 2004)

مربی با مشاهده الگوهای انسانی به قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی خود پی می‌برد و در جهت شکوفایی آن‌ها تلاش می‌نماید به بیانی دیگر، مشاهده الگوها، اعتماد به نفس را در الگوپذیر تقویت کرده، او را در رسیدن به کمالات مطمئن‌تر می‌سازد و انگیزه وی را برای رسیدن به کمالات بیشتر کرده (قائمی مقدم، ۱۳۸۹، ص ۳۰) و مربی با آرامشی برخاسته از اعتماد به نفس به سوی سلامت روان و سلامت جسم که به رشد و پیشرفت تحصیلی ختم می‌شود گام برمی‌دارد.

۴. تبعات عدم هماهنگی گفتار و رفتار

عدم هماهنگی گفتار و رفتار مربی پیامدهای نامطلوبی به دنبال دارد که از جمله آنها می‌توان به بی‌تأثیر شدن کلام مربی، از دست رفتن علم و خشم و توییح خداوند متعال اشاره کرد.

۴-۱. بی‌تأثیر شدن کلام مربی

هماهنگی کردار و گفتار مربی یک قاعده کلی در حیطه تعلیم و تربیت است و اگر مربی به آن پایبند نباشد تلاش بی‌ثمر خواهد بود. علامه طباطبایی در این باره بیان می‌دارد هر فرد مسلمانی که در فرا گرفتن معارف دینی و شرایع آن تکمیل شده باشد قهراً قهرمان عمل به آن شرایع هم هست؛ و این اسلوب قاعده کلی است، یعنی هر معلم و مربی که بخواهد در تعلیم و تربیت اشخاص، موفقیتی کسب کند باید خود به گفته‌ها و دستورات خود عمل کند و برای

علم بی عمل هیچ تأثیری نیست. کسانی که دل‌هایشان از ایمان به گفته‌هایشان تهی است زیر نظرشان، جز اشخاصی مانند خودشان تربیت نمی‌شوند؛ زیرا دل‌های مردم از شنیدن مواعظ چنین اشخاصی که خود در طریقه‌ای که به مردم پیشنهاد می‌کنند صبر و ثبات ندارند نرم نمی‌شود، و نفوس‌شان منقاد نصایح آنان نمی‌گردد، و همه گفته‌های آنها را باطل دانسته و یا لاف دربارہ صحت و بطلان آن تردید می‌نمایند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۸) بر این اساس از مهمترین آسیب‌های تعلیم و تربیت خصوصاً در امور دینی، عدم نفوذ این آموزه‌ها در اعماق جان خود مربی، و یا کوتاهی نمودن در عمل به آنهاست.

علامه می‌افزاید: «همانطوری که برای الفاظ دلالت هست عمل هم دارای دلالت است، به این معنا که اگر عمل بر خلاف قول بود دلالت می‌کند بر اینکه در نفس صاحبش حالتی است مخالف گفته‌های او که گفته‌هایش را تکذیب می‌کند و می‌فهماند که گفته‌هایش جز کید و نوعی حیلہ برای فریب دادن مردم و به دام انداختن آنها نیست». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۵۸) بنابراین عدم هماهنگی کردار و گفتار نشان‌دهنده ریا و عدم صداقت مربی است و نتیجه‌ای جز بی‌تأثیر شدن کلام مربی و دور شدن مرتبی از او را به دنبال ندارد.

شهید مطهری معتقد است علم با علم تمام می‌شود ولی علم با عمل کامل می‌شود، یعنی آن آثاری که از علم باید گرفت با عمل گرفته می‌شود. کمال علم به عمل است، کمال عمل به نیت است و کمال نیت به اخلاص است. نیت جزء عمل نیست ولی اگر نیتی همراه عمل نباشد بی‌اثر است. اخلاص هم جزء نیت نیست ولی اگر اخلاص نباشد نیت اثر ندارد. (رک: مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۵، ص ۱۸۹)

بر این اساس عمل به علم مراتبی دارد و بالاترین و با ارزشترین آن عمل با اخلاص است و علم با آن به کمال می‌رسد. به دیگر سخن، علم و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند برای عمل مؤثر و مفید باید علم داشت و برای بالاتر بردن مراتب علمی باید به آن علم جامه عمل پوشانید، و هر چه عمل با اخلاص‌تر باشد علم به همان میزان کامل‌تر می‌گردد.

علم به فضایل بدون عمل فاقد ارزش است. مربی به عنوان الگوی عملی مرتبی، خود باید پاک، متدین و عامل به دستورات الهی باشد. عدم مطابقت گفتار و رفتار مربیان و اهمیت ندادن به عمل، آسیب جدی به تربیت دینی مربیان وارد می‌کند که جبران آن بسیار دشوار است. در اسلام سعادت انسان بر دو پایه ایمان و عمل استوار است و هر جا ایمان بر عمل مقدم شده، بیانگر این نکته است که عملی مورد قبول اسلام است که متکی بر ایمان و عقیده باشد چون

عملی که از ایمان ناشی شود ریشه ثابت و پابرجایی در قلب مؤمن دارد و به عکس اعمالی که ریشه ایمانی ندارند و منشأ آن ریا و سایر اغراض نفسانی است هرگز ثابت و پایدار نخواهد ماند.^۱

بنابراین برای افزایش تأثیر کلام مربی ابتدا باید باور و ایمان مربی تقویت گردد و این ایمان با عمل خالصانه همراه گردد تا در ذهن و جان متربی نفوذ کرده و پایدار بماند.

۲-۴. از دست رفتن علم

در روایتی از امیر مؤمنان امام علی علیه السلام آمده است: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَعَلِمَ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ؛ علم با عمل قرابت دارد، هر که دانست عمل کرد. و علم عمل را صدا می‌کند، اگر اجابت کند می‌ماند، و گرنه از آن کوچ می‌کند» (نهج البلاغه، قصار ۳۶۶) در این روایت بر لزوم همدوشی علم و عمل تأکید شده است به طوری که اگر عمل همراه علم نباشد علم هم باقی نمی‌ماند. بنابراین لازمه کوچ نکردن و ماندگاری علم، کاربست علم و عمل به آن است.

۳-۴. توبیخ و خشم خداوند متعال

در آیه ۳ و ۲ سوره صف آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ». در عبارت «كَبُرَ مَقْتًا» کلمه "مقت" به معنای خشم شدید است (راغب، ۱۴۰۹، ص ۷۷۲) و در میان عرب جاهلی کسی که همسر پدرش را به نکاح خود در می‌آورد "نکاح مقت" می‌گفتند، در جمله "كَبُرَ مَقْتًا" واژه "مقت" با "كَبُرَ" که آن نیز دلیل بر شدت و عظمت است توأم شده و دلیل بر خشم عظیم خدا نسبت به گفتار خالی از عمل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۶۲)

به نظر می‌رسد هدف خداوند متعال از این خطاب توبیخی تربیت تدریجی مؤمنان است تا ظاهر و باطنشان یکی شود و کار خلاف و ناهماهنگ با عقائد و گفتارشان نظیر خلف وعده، نقض عهد از آنان سر نزنند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی سخت بپرهیز، زیرا این موجب خشم عظیم در نزد خدا و مردم خواهد شد، چنان که قرآن می‌گوید: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾». (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۶۹) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «وعده مؤمن به برادرش نوعی نذر است، هر چند کفاره ندارد، و هر کس خلف وعده کند با خدا مخالفت کرده، و خویش را در معرض خشم او قرار داده، و این همان است که قرآن

۱. از سلسله درس‌های تعلیم و تربیتی استاد طاهایی.

می‌گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۲۲۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتی به جناب ابوذر فرمودند: «ای ابوذر، عده‌ای از بهشتیان، جمعی از دوزخیان را در آتش مشاهده می‌کنند، با کمال شگفتی از آنان می‌پرسند: چه شده که شما در آتش معذبید در حالی که ما این بهشت را به برکت تربیت و آموزش کامل شما بدست آوردیم؟! آنان جواب می‌دهند: چون ما شما را به نیکی فرمان می‌دادیم و خود بجا نمی‌آوردیم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۷۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۳۰، ج ۲۶، ص ۱۸۷) این حدیث در مصادر اهل سنت نیز دیده می‌شود (رک: سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۶۵).

بر این اساس مربیان و معلمان به عنوان آمران به معروف که در مقام متولیان تعلیم و تربیت هستند ابتدا باید از خویش شروع کنند و با تقویت اعتقادات خود، برّ و نیکی را در خود به فعلیت برسانند و در نهایت داعی دیگران باشند تا شاهد آثار و برکات تعلیم و تربیت صحیح در حیات خود و دیگران باشند.

نتیجه گیری

از رهگذر آنچه گذشت می‌توان چنین استنتاج کرد:

۱. آنچه که امروزه غرب به دنبال تأکید بر ارائه الگوی عملی در ساحت‌های تربیتی و خصوصاً تربیت اخلاقی است، حدود ۱۵ قرن پیش در قرآن کریم با عناوینی نظیر "أسوه حسنه" آمده و بر استفاده از این روش توصیه مؤکد شده است.
۲. باید توجه داشت در همه ساحت‌های تربیتی لزوم هماهنگی کردار و گفتار متولیان تعلیم و تربیت امری ضروری است.
۳. مراد از برّ در آیه ۴۴ سوره بقره که خداوند متعال مسلمانان را به عامل بودن آن قبل از امر بودن به آن دعوت می‌نماید رعایت تقواست.
۴. روایات بر لزوم همدوشی علم و عمل تأکید شده است به طوری که اگر عمل همراه علم نباشد علم هم باقی نمی‌ماند و کوچ می‌کند.
۵. علم و عمل لازم و ملزوم یکدیگرند برای عمل مؤثر و مفید باید علم داشت و برای بالاتر بردن مراتب علمی باید به آن علم جامه عمل پوشانید، و هر چه عمل با اخلاص‌تر باشد علم به همان میزان کامل‌تر می‌گردد.

۶. هماهنگی کردار و گفتار مربی آثاری نظیر داخل شدن در زمره عالمان، نیل به مقام صدق و تقوا، افزایش تأثیرپذیری، رسیدن به ذهن غریزی و شهودی، احساس امنیت جسمی و روانی متربیان و ... را به همراه دارد.
۷. تربیتی دارای اثر صالح است که مربی آن دارای ایمان به آنچه که به متعلم می‌آموزد باشد، علاوه بر این، عملش با علمش مطابقت کند، و اما کسی که اصلاً به گفته‌های خود ایمان ندارد و یا بر طبق آن عمل نمی‌کند امید خیری از تربیتش نباید داشت.
۸. از مهمترین آسیب‌های تعلیم و تربیت خصوصاً در امور دینی، عدم نفوذ این آموزه‌ها در اعماق جان خود مربی، و یا کوتاهی نمودن در عمل به آنهاست.
۹. عدم هماهنگی کردار و گفتار نشان‌دهنده ریا و عدم صداقت مربی است و نتیجه‌ای جز بی‌تأثیر شدن کلام مربی و دور شدن تربی از او، از دست رفتن علم مربی و خشم خداوند متعال را به دنبال ندارد.
۱۰. در تعلیم و تربیت پسا کرونا که متربیان بیش از سه نیم سال تحصیلی از آموزش حضوری و بهره مندی از روش الگویی مربیان محروم بودند به نظر می‌رسد تأکید بر این روش تدریس که یکی از بهترین روش‌های پربازده است اهمیت و ضرورت دوچندان می‌یابد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه (صبحی صالح) (۱۴۱۴)، به تصحیح فیض الإسلام، قم: هجرت.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۳۸۴)، *التحریر و التنویر*، بیروت: موسسه التاریخ.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر.

۳. تهانوی، محمد اعلی (۱۹۶۷)، *کشاف اصطلاحات الفنون*، تهران: خیام.

۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵. حسینی‌زاده، سید علی؛ داودی، محمد (۱۴۰۰)، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)*، قم: سبحان.

۶. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۹)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.

۷. رحمانی، نیره؛ پورکریمی، جواد؛ دیالمه، نیکو؛ خنیفر، حسن (اسفند ۱۳۹۶)، «اصول و روش های تربیتی مبتنی بر

حکمت از منظر قرآن کریم»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، شماره ۲.

۸. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل*، بیروت: دار الكتاب العربی.
۹. زهره کاشانی، علی اکبر (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۲.
۱۰. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۱۱. صدر، سید رضا (۱۳۸۷)، *راه علی علیه السلام*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: ذوی القربی.
۱۶. علیزاده، نگین (۱۴۰۰)، *تفویض در تشریح از دیدگاه مفسران فریقین*، قم: زلال کوثر.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، *کتاب التفسیر*، تهران: چاپخانه علمیه.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت.
۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵)، *الصفای فی تفسیر القرآن*، تهران: مکتبه الصدر.
۲۱. ----- (۱۴۳۰)، *کتاب الوافی*، اصفهان: عطر عترت.
۲۲. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۹)، *روش الگویی در تربیت اسلامی*، معرفت، شماره ۶۹.
۲۳. قطب‌الدین شیرازی، محمود (۱۳۸۳)، *شرح حکمه الاشراق*، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
۲۴. قمی مشهدی، محمد (۱۳۸۶)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، *تفسیر القمی*، قم: دار الكتاب.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. متقی هندی، علی (۱۴۰۹)، *کنز العمال*، بیروت: الرساله.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار ائمه الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی دار الکتب العلمیه.

۲۹. مشایخی، شهاب‌الدین (پاییز ۱۳۸۱)، «اصول تربیت از دیدگاه اسلام»، روش‌شناسی علوم انسانی، حوزه و دانشگاه شماره ۳۲.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، حماسه حسینی (۱ و ۲)، ج ۱۷، تهران: صدرا.
۳۱. ----- (۱۳۸۴)، مجموعه آثار (پانزده گفتار)، ج ۲۵، تهران: صدرا.
۳۲. ----- (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، صلح امام حسن علیه السلام، ج ۱۶، تهران: صدرا.
۳۳. ----- (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ج ۲۴، تهران: صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، پیام امام علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. ----- (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. میکائیلو غلامحسین، سلطان القرایی خلیل (زمستان ۱۳۹۴)، «اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام»، بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ص ۹۷-۱۲۱.
۳۷. یارمحمدزاده، پیمان؛ حسین‌زاده، امیدعلی؛ جمال‌پور، میکائیل (بهمن ۱۳۹۹)، «رهیافتی به الگوی تربیت فکر در قرآن کریم»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۲.

38. 'Alizādeh 'Negīn *; Mu'addab Sayyid Ridā; (Summer & Autumn 2019) The Exploration of the Chain and Argumentation of the Tradition "the Qur'ān is Dhalūl (Like a Calm Camel) and has Different Aspects" in the Shī'a and Sunnī Sources. *Journal of Contemporary Islamic Studies (JCIS)*. Vol. 1, No. 2, pp. 157 – 174.
39. Anderman, L. H. (2003). Academic and social perceptions as predictors of change in middle school students' sense of school belonging. *Journal of Experimental Education*, 72(1), 5–22.
40. Battistich, V. A. (2008). The Child Development Project: Creating caring school communities. In L. Nucci & D. Narvaez (Eds.), *Handbook of moral and character education* (1st Ed.) (pp. 328–351). Mahwah, NJ: Erlbaum.
41. Catalano, R. F., Oesterle, S., Fleming, C. B., & Hawkins, J. D. (2004). The importance of bonding to school for healthy development: Findings from the Social Development Research Group. *Journal of School Health*, 74, 252–261.
42. Goodenow, C. (1993). The psychological sense of school membership among adolescents: Scale development and educational correlates. *Psychology in the Schools*, 30, 79–90
43. *Handbook of Moral and Character Education*, Second Edition, Routledge, Taylor & Francis Group, NEW YORK AND LONDON, 2014.
44. Joseph, Pamela Bolotin and Sara Efron (2005), "Seven Worlds of Moral Education", Phi Delta Kappan, March, p.525-533.
45. Lapsley, D. K., & Narvaez, D. (2006). *Character education*. In W. Damon & R. Lerner (Series Eds.), *Handbook of child psychology*, Vol. 4 (A. Renninger & I. Siegel, Vol. Eds.) (pp. 248–296). New York: Wiley.

46. Libbey, H. P. (2004). Measuring student relationships to school: Attachment bonding, connectedness and engagement. *Journal of School Health, 74*(7), 274–283
47. Lickona, T. (2001) WHAT IS EFFECTIVE CHARACTER EDUCATION?, Center for the 4th and 5th Rs (Respect and Responsibility) State University of New York at Cortland, The Stony Brook School Symposium on Character, October 6.
48. Ma, X. (2003). Sense of belonging to school: Can schools make a difference? *The Journal of Educational Research, 96*(6), 340–349
49. Narvaez, D. (2005). The Neo-Kohlbergian tradition and beyond: Schemas, expertise and character. In G. Carlo & C. Pope-Edwards (Eds.), *Nebraska Symposium on Motivation, Vol. 51: Moral Motivation through the Lifespan* (pp. 119–163).
50. Narvaez, D., & Endicott, L. (2009). *Nurturing character in the classroom, EthEx Series, Book 1: Ethical Sensitivity*. Notre Dame, IN: ACE Press
51. Narvaez, D., & Lapsley, D.K. (2005). The psychological foundation of moral expertise. In D.K. Lapsley & F.C.Power (Eds.), *Character psychology and character education* (pp. 140–165). Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press
52. Power, F.C. (2004). Moral self in community. In D.K. Lapsley & D. Narvaez (Eds.), *Moral development, self and identity* (pp. 47–64). Mahwah, NJ: Erlbaum
53. Scales, P.C., Benson, P.L., Leffert, N., & Blyth, D.A. (2000). The contribution of developmental assets to the prediction of thriving outcomes among adolescents. *Applied Developmental Science, 4*(1), 27-46.
54. Schaps, E., Shaeffer, E. F., & McDonnell, S. N. (2001, September 12). What's right and wrong in character education today. *Education Week, 40*–44
55. Solomon, D., Watson, M. S., & Battistich, V. A. (2002). Teaching and school effects on moral/prosocial development. In V. Richardson (Ed.), *Handbook for research on teaching*. Washington, D.C.: American Educational Research Association
56. Switzer, G. E., Simmons, R. G., Dew, M. A., Regalski, J. M., & Wang, C. (1995). The effect of a school-based helper program on adolescent self-image, attitudes, and behavior. *Journal of Early Adolescence, 15*, p.429–455.
57. Vago, D. R., & Silbersweig, D. A. (2012). Self-awareness, self-regulation, and self-transcendence (S-ART): a framework for understanding the neurobiological mechanisms of mindfulness. *Frontiers in Human Neuroscience, 6*, 1–30
58. Zins, J. E., Weissberg, R. P., Wang, M. C., & Walberg, H. J. (2004). *Building academic success on social and emotional learning*. New York: Teachers College Press.